



نگاهی به جان دادن نشریات کاغذی در بستر مشکلات؛

مرگ تدریجی یک رویا

گروه فرهنگ

گزارش

به هر نشریه‌ای نظر رحمت نمی‌اندازند. این روزها در سیرجان گرفتن آگهی هم رابطه‌ای شده و هر نشریه‌ای که در اداره یا ارگان یا شرکتی، آشنا داشته باشد می‌تواند آگهی‌های نیم صفحه و یک صفحه بگیرد و اگر هم آشنایی نداشته باشد باید انگشت حسرت بر دهان بگذرد.

جان نشریات محلی سیرجان به همین آگهی‌ها بند است و این مایه تاسف است که رسانه‌ای که باید جریان‌ساز باشد و رکن چهارم دموکراسی؛ به جای نوشتن نقد و تحلیل و پرداختن به مشکلات جامعه به دنبال آگهی است تا بتواند اندک نفس‌های باقی مانده خود را حفظ کند.

این وابستگی نشریات به گرفتن آگهی، اجازه نمی‌دهد آنطور که باید بنویسند و تحلیل کنند و به چالش بکشند. و اینجاست که دیگر شهر رسانه‌ای سیرجان معنای واقعی خود را از دست می‌دهد.

ارشاد به داد نشریات برسد

ای کاش اداره فرهنگ و ارشاد به عنوان متولی نشریات سیرجانی وارد عمل می‌شد. مثلاً اتحادیه‌ای تشکیل می‌داد با حضور مدیران مسئول نشریات کاغذی و به مشکلات آن‌ها و عدم توانایی آن‌ها برای تامین هزینه‌هایشان رسیدگی می‌کرد که اگر امروز به داد این نشریات نسیم به زودی چراغ همین تک و توک نشریه‌ای که در سیرجان فعالیت دارند هم خاموش می‌شود. از آنجایی که سیرجان شهر شرکت‌های معدنی است؛ اداره ارشاد می‌تواند با این شرکت‌ها رایزنی کند تا نشریات کاغذی را حمایت کنند، معین اقتصادی این نشریات باشند و آگهی‌های خود را بدون رابطه بین همه نشریات تقسیم کنند تا در این کوران رکود اقتصادی که ویروس کرونا هم بر آن دامن زده است، نشریات کاغذی اندک رمق باقی مانده را هم از دست ندهند.

اما مسئله دیگری که موجب شده نشریات کاغذی از گود گرفتن آگهی خارج شوند، رشد قارچ‌گونه و بی‌حساب پیچ‌های خبری است که اکثراً بدون مجوز و بدون تخصص و دانش خبرنگاری و حتی با خریدن فالوور فیک در حال فعالیت هستند و این رشد قارچ‌گونه تیشه به ریشه نشریاتی می‌زند که سال‌های سال شرافت‌مندانه فعالیت کرده‌اند و حالا نمی‌خواهند به این سادگی از میدان به در شوند. این پیچ‌های خبری نه پول چاپ و کاغذ می‌پردازند، نه هزینه دفتر و خبرنگار می‌دهند و بدون هیچ برآورد هزینه مالی فعالیت می‌کنند. بلکه بسیاری از آن‌ها با رابطه‌هایی که دارند، آگهی‌های کلان شرکت‌های معدنی را از آن خود کرده‌اند و به صورت انحصاری آگهی می‌گیرند و حتی درآمدشان بیشتر از بسیاری مشاغل سخت می‌باشد. آیا انصاف است نشریاتی که هر کدام بالای ۱۰ سال سابقه کار دارند و با نیروهای متخصص فعالیت می‌کنند، دستشان از آگهی شرکت‌ها و حمایت اداره ارشاد خالی باشد و مرگ تدریجی رویای خود را شاهد باشند؟ در حالیکه نشریات چشم امید به حمایت دارند برای احیای دوباره و برای سرپا ماندن تا بتوانند چراغ روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را در سیرجان روشن نگه دارند و شهری که زمانی شهر رسانه‌ای استان بود را به دست فراموشی نسپارند.

سیرجان را به نام شهر رسانه می‌شناختند. نیاز نیست به سال‌های خیلی دور بروید برای یادآوری این عنوان، همین چند سال پیش بود که نشریات کاغذی سیرجان یک سر و گردن از نشریات استان بالاتر بودند و حتی در برخی مجامع کشوری هم حرفی برای گفتن داشتند. می‌توانستند با مطالبی که منتشر می‌کنند تاثیرگذاری مهمی داشته باشند و تغییراتی را ایجاد کنند.

بی رونق شدن نشریات در سیرجان

برای شهرهای دیگر عجیب بود که مردم سیرجان آنقدر طالب خواندن روزنامه هستند و نشریات سیرجانی یک اهرم مهم به حساب می‌آیند. آن زمان که به عنوان شهر رسانه‌ای سیرجان افتخار می‌کردیم، گمان نمی‌بردیم زمانی فرا برسد که نشریات محلی سیرجان از رونق بیفتند و مثل سالمند بی‌فرزند، به خانه سالمندان سپرده شوند. در سال‌های اخیر نشریات کاغذی از چند جهت مورد هجمه قرار گرفته‌اند که باعث شده آن‌ها در رینگ رقابت به گوشه‌ای بخزند و از زمانه ناسازگار مشت بخورند. رشد بی‌امان فضای مجازی باعث شد مردم به سراغ اخبار سانددیوچی و مصور بروند و دیگر کسی برای اخبار نشریات تره هم خورد نکند و یک هفته منتظر نماند تا تحلیل‌های پرمایه نشریات را بخواند.

مشکلات عدیده

گرانی و کمبود کاغذ و افزایش هزینه‌های چاپ، تیراژ نشریات را به شدت کاهش داد و کمر مدیران مسئول را شکست. نشریات محلی که برای خود پادشاهی می‌کردند و در دستان هر سیرجانی یکی از نشریات محلی رقم می‌خورد، به یکباره از رونق افتادند. دیگر نه جان رقابت داشتند و نه انگیزه حرکت. دیگر برای مطالبی که مردم هم طالب آن‌ها نبودند، نمی‌صرفید هزینه چاپ و زینک و توزیع پرداخت کرد و غروب نشریات محلی سیرجان خیلی زود از راه رسید.

بد اخلاقی در فرهنگ

مشکل بعدی افرادی هستند که به نام نشریه ای دیگر با پسوندی متفاوت نام نشریه شان را مشابه نشریه ای فعال انتخاب می‌کنند در حالی که اصلاً هیچ دفتر و یا اصلاً اهل سیرجان نیستند فقط دورادور شنیده اند سیرجان شهر فرهنگ و رسانه است. با اعتبار نشریه ای که چند سال کار مطبوعاتی می‌کند وارد میدان می‌شود و روابط عمومی برخی شرکت‌ها و ادارات هم بدون در نظر گرفتن مشکلات نشریات در سیرجان گول چنین افرادی را می‌خورند این در حالیست که شاید این کار قانونی باشد ولی اخلاقی نیست.

در این شرایط بحرانی که پیش آمده، چشم امید نشریات کاغذی به آگهی‌هایی است که می‌گیرند تا بتوانند روی پا بایستند و هزینه قلم خبرنگاری را بپردازند که این روزها دیگر دل و دماغی ندارد برای نوشتن نقدهای آتشین و گزارش‌های موثر. اما متأسفانه مثل خیلی چیزهای دیگر که در سیرجان انحصاری هستند، آگهی‌های نشریات محلی هم به حالت انحصاری در آمده‌اند و صاحبان آگهی‌ها